



کالین میچل

سیاست ورزشی در ایران عصر صفوی
قدرت، دیانت، بلاغت

ترجمه حسن افشار



فرهنگ جاوید

فهرست

پیش‌گفتار

- دوره‌های تاریخی-اساطیری ایران و ادیان ابراهیمی:
جایگاه تکوینی ایران عصر صفوی ۱۱
کار بلاغی و دبیری در تاریخ ایران اسلامی ۱۹
انشا و منشیان: جولانگاه سخن ۲۷
سیاست‌ورزی در ایران عصر صفوی: ساختار و دامنه ۳۵

۱ شاهنشاهی آخرالزمان، ۹۰۷-۹۳۸/۱۵۰۱-۱۵۳۲

- ظهور اسماعیل، ۹۰۰-۹۲۱/۱۴۹۴-۱۵۱۴ ۳۹
خبر طوفان نوح: بدعت‌های مسیحایی و عرفانی
در دبیرخانه صفوی ۵۶
بازیابی فرهنگ دیوانی ایرانی و نشر بلاغت دبیری،
۹۲۱-۹۳۱/۱۵۱۴-۱۵۲۴ ۷۹
نخستین سال‌های حکومت شاه طهماسب والگوی
ایرانی-ترکی، ۹۳۱-۹۳۹/۱۵۲۴-۱۵۳۲ ۹۷

۲ جهان‌شناسی‌های ناهمساز، ۹۳۹-۹۶۳/۱۵۳۲-۱۵۵۵

- ۱۱۱ بلاغت هتاک: کَرکی و آشکال دفاعیات شیعه
۱۳۹ قاضی جهان قزوینی و اهل قلم
۱۴۹ انگیزه‌های عرفانی و سنت انشای صفوی

۳ توبه دوم، ۹۶۳-۹۸۴/۱۵۵۵-۱۵۷۶

- ۱۶۱ سمت قزوین و مشرق
۱۸۴ تمثیل‌های سلیمانی
۲۰۷ انگیزه‌های گوناگون: عبدی بیگ شیرازی و دبیرخانه صفوی

۴ بازگشت پادشاه، ۹۸۴-۱۰۰۷/۱۵۷۶-۱۵۹۸

- ۲۱۹ درآویزی شاه اسماعیل دوم با سران روحانی
۲۳۸ پیدایش همدلی تازه‌ای در حکومت خدابنده
روایتگری و طرح‌ریزی حاکمیت جدید صفوی،
۲۶۳ ۱۵۹۸-۱۵۸۸/۱۰۰۷-۹۹۷

۲۹۳ سخن پایانی

- ۳۰۱ پی‌نوشت‌ها
۴۰۱ کتاب‌شناسی
۴۳۷ نمایه

شاهنشاهی آخرازمان،

۹۰۷-۹۳۸/۱۵۰۱-۱۵۳۲

این فصل دربارهٔ آغاز شکل‌گیری شاهنشاهی صفوی از سال ۱۵۰۱/۹۰۷ به رهبری اسماعیل بن حیدر بن جنید صفوی و تکاملش در سه دههٔ بعد در حکومت او و جانشین‌اش شاه طهماسب است. بسیاری دگرگونی‌های ژرف و گسترده در فرهنگ سیاسی و مذهبی صفویه در برههٔ زمانی مورد بحث ما در این بخش (۹۰۷-۹۳۸/۱۵۰۱-۱۵۳۲)^۱ رخ داد. اسماعیل مرجع دینی محسوبی بود که با جرگهٔ صوفی نامتشکل ولی مبارزی که چند هزار نفر در گیلان و آذربایجان را دربرمی‌گرفت فتوحاتش را آغاز کرد و موفق شد شاهنشاهی بزرگی از قفقاز تا خراسان پدید آورد. او فرقهٔ مذهبی صفوی را به مسیر شاهنشاهی سیاسی سوق داد و پلی بین تصوف منجی‌گرایانه و دولت متمرکز دیوان‌سالارانه زد. عظمت ملغمه‌ای که از آمیزش تصوف غالی این پیروان تشیع علوی با تعابیر ایرانستان از دیانت و مرجعیت پیدا شد بهترین بیان منطقی‌اش را در اشعار شاه اسماعیل یافت.^(۱) سخن‌دبیری، که در سال‌های میان ۹۰۷ و ۱۵۰۱/۹۱۸ و ۱۵۱۳ تولید شد، این گرایش‌ها را ترسیم می‌کند و نشان می‌دهد که ایدئولوژی‌ها

^۱ کمپین مصادف با ۹۰۶-۹۳۸ است. شاه اسماعیل از ۹۰۵ تا ۹۳۰ حکومت کرد. م.م.

و مشروعیت‌ها را چگونه می‌شد خلافت‌ها بیان کرد. سال ۱۵۱۲/۹۱۸ افرادی از دیوانیان و ادیبان دولت تیموری پیشین بر سرورود و شرکت خود در آبیاری نهال شاهنشاهی نوبه توافق رسیدند و سخن دبیری به یک‌باره از مسیر مطلقیت منجی‌گرایانه‌ای که اسماعیل خود پرچمش را به دوش کشیده بود جدا شد. پس از ۱۵۲۴/۹۳۱ که طهماسب به پادشاهی رسید، این تأثیر تیموری با تکیه بر یک ایدئولوژی مشخصاً پادشاهی و با اهتمام به تبیین مشروعیت آن به رشد خود ادامه داد.

ترکیب و فرهنگ دبیرخانه صفوی، که شبکه سیالی از اهل علم و ادب و دیانت و از ضمایم دربارهای مرکزی و محلی بود، در سال‌های ۹۰۷-۱۵۳۲/۹۳۸ در هیچ طبقه‌بندی ساختاری نمی‌گنجد. بی‌گمان فرهنگ رسمی دیوانی در روزهای خوش یکه‌تازی قزلباشان و توسعه طلبی صفویه به دل نمی‌نشست و شاه اسماعیل هر شهر تازه‌ای را که می‌گرفت بی‌درنگ امیرانی از عشایر ترک را در مصادر کلیدی حکومت محلی جای می‌داد. تا پس از جنگ چالدران (۱۵۱۴/۹۲۰) که انگیزه اولیه مبارزه طلبی و تلافی جویی به تدریج فرو خفت، چندان نشانی از فرهنگ دیوانی و دبیری آمرانه‌ای نمی‌یابیم. یک علت آن نیز شاید کمیابی سند یا واقعه‌نگاری‌هایی است که به کار دبیری در هر ساختاری طی این دهه‌های نخستین اشاره کرده باشد. ولی حتی اگر نتوانیم با اطمینان نمودی ساختاری برای آن پیدا کنیم، مطمئناً می‌توانیم این موجود حقوقی را با گردآوری سوابق حرفه‌ای کسانی که در استخدام برای کار دبیری دخیل بودند و این‌که چه تأثیری از این جهت در تبیین مشروعیت و مرجعیت حاکم بر جای می‌گذاشتند از نهانگاهش بیرون بکشیم.

ظهور اسماعیل، ۱۴۹۴/۹۲۱-۹۰۰-۱۵۱۴

درحالی‌که قرائن نشان می‌دهد هم اشراف ایرانی و هم نخبگان روحانی در اوایل حکومت صفویه به نان و نوایی رسیدند، سال ۱۹۸۸ ژان اوبن^۱ در مقاله

پیش‌گامانه‌ای تحت عنوان 'بازاندیشی در ظهور صفویه' شاه اسماعیل را از هر پیرایه مذهبی یا عاطفی ناسیونالیستی پاک کرد.^[۲] تصویری که اوبن، مغایر با همه نمونه‌های تاریخی پیشین، از اسماعیل به دست می‌دهد به شدت خام است: اسماعیل جوان بی‌رحمی است آلت دست جماعتی از چادر نشینان ترک مغول که کاری جز ترک‌تازی و کشت و کشتار ندارند. القای این نظر که اسماعیل در گذاری ناگهانی از یک صوفی مطرود به یک پادشاه مبادی آداب مبدل شد به معنی نادیده گرفتن انبوهی از اسناد تاریخی است که حکایت از استمرار و، در مواردی، حتی تشدید سنت‌های خشن منجی‌گرایانه و عادت‌های کهن عشایر ترکمن می‌کند.^[۳] با این حال، ژان کالمار^۱ هشدار می‌دهد که نباید رسوم منسوخ ترکی-مغولی (آدم‌خواری آیینی یا نبش قبر مردگان) را با سنت‌های منسوب به نهضت‌های غالی (غلوکننده) که در اسلام زندقه شناخته می‌شدند (از قبیل سر بریدن یا سوزاندن مرده) اشتباه کرد.^[۴] به عبارتی، اسماعیل از سنت‌های دیرینه ترکی و منجی‌گرایانه‌ای پیروی می‌کرد که "الگوی رهبری" تازه‌ای را در آسیای میانه اسلامی در سده‌های پانزدهم و شانزدهم تعریف می‌کردند.^[۵]

آذربایجان و شرق آناتولی چل‌تکه‌ای از انواع مذاهب اسلامی سنت‌گرا و سنت‌شکن به علاوه آیین‌های غیراسلامی پرطرف‌دار بود. فرقه صفوی در قرون چهاردهم و پانزدهم بی‌گمان نمی‌توانست از این ملغمه تأثیر نپذیرد. شواهد نشان می‌دهد پدر و پدربزرگ اسماعیل روندی را آغاز کرده بودند که خشونت آخرازمانی و لفاظی منجی‌گرایانه را باب می‌کرد و پیوسته به کار می‌بست. طریقت صفویه هنگامی خصلت رزمی بارزی یافت که با نشر پیام عدالت اجتماعی و نزدیکی قیام منجی علیه دولت‌های عثمانی و قراقویونلو دسته‌هایی از عشایر ترکمن قزلباش را از شمال سوریه و شرق آناتولی جذب کرد و اینان اعلام وفاداری به شیخ جنید، پدربزرگ اسماعیل، کردند.^[۶]

بین سال‌های ۸۶۱ و ۱۴۵۶/۸۶۴ و ۱۴۵۹ جنید به وسیله ازدواجی مصلحتی با خاندان اوزون حسن، فرمانروای بالنده آق‌قویونلو، دستور کاری